



نگاهی به برخی مسؤولیت‌های فراراه

انجمن صنفی مطبوعات؛ دیر آمده‌ای که باید بماند

محمد مهدی فرقانی

نیز اساساً به عنوان یک رکن دموکراسی و یکی از مهمترین نهادهای مدنی شناخته شده است. اگر فعالیت آزاد مطبوعات را به عنوان یکی از ابزارهای عمده تنظیم مناسبات اجتماعی در روابط میان حکومت و مردم، عامل مهم دفاع از حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی جامعه، نظارت بر محیط و نگرانی و پاسداری از منافع مردم در برابر تعدی‌ها و تجاوزهای احتمالی، از پیش شرط‌ها و معیارهای جامعه‌مدنی بدانیم، روزنامه‌نگاران به عنوان یکی از نخستین مدافعان مردم، باید از حمایت، دلگرمی اعتماد و اطمینان لازم در انجام وظایف و مسؤولیت‌های حرفه‌ای و اجتماعی خویش برخوردار باشند. بنابراین سه کارکرد عمده انجمن صنفی را می‌توان چنین تصور کرد:

۱. هویت بخشی به روزنامه‌نگاران و فعالیت‌های مطبوعاتی.

به این معنا که در کنار سایر شرایطی که می‌بایست برای رسمیت بخشیدن به جایگاه و موقعیت اجتماعی و قانونی اعضای این صنف محقق شود، وجود تشکیلات صنفی یکی از مهمترین ابزارهای احراز و تثبیت هویت حرفه‌ای است، و این هویت بخشی زمینه‌ای برای کسب اقتدار، صلابت و عزت نفس فراهم می‌سازد.

۲. تلاش برای تأمین امنیت شغلی و استقلال حرفه‌ای، به صورتی که روزنامه‌نگار از

تشکل حرفه‌ای روزنامه‌نگاران کشور، گرچه دیر هنگام، ولی می‌رود که با پشت سر گذاشتن مقدمات کار، موجودیت یابد. ۱۹ سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی، آغاز فعالیت این انجمن را باید به فال نیک گرفت و آن را ارج گذاشت. اکنون همه روزنامه‌نگاران باید دست به دست هم بدهند و پایه‌های این تشکل را آنچنان محکم و استوار بنا بگذارند که بتوانند تکیه‌گاهی مطمئن برای اهل این حرفه که هیچ‌گاه در طول تاریخ مطبوعات کشورمان از هویت و جایگاه مناسب و لازم برخوردار نبوده‌اند، فراهم سازد. به نظر می‌رسد که پس از یک دوره سرگشتگی و بی‌پایگامی، اکنون اراده لازم در درون صنف برای این منظور وجود دارد.

تشکل‌گیری و فعالیت انجمن صنفی روزنامه‌نگاران در شرایطی که جامعه ما با تحولات سیاسی و اجتماعی سال ۱۳۷۶ قدم به دوران جدیدی گذارده و تحقق «جامعه مدنی» را در همه ابعاد، انتظار می‌کشد، از دو زاویه دارای اهمیت و درخور توجه است. اول اینکه خود انجمن صنفی، فی‌نفسه؛ از آن جهت که یک نهاد مدنی به حساب می‌آید می‌تواند نشانه‌ای از استقرار ساختارهای دموکراتیک تلقی شود و مسؤولیت‌های مهمی را از این حیث عهده‌دار گردد، دیگر آنکه این تشکل صنفی، مربوط به فعالیت است که آن فعالیت

جست‌وجو، کشف و بیان حقایق، هیچ‌گاه بیمناک نباشد و زندگی شخصی و حرفه‌ای او به خاطر انجام وظیفه در معرض تهدید قرار نگیرد. این امر می‌تواند از طریق تسهیل شرایط فعالیت حرفه‌ای، فراهم ساختن حمایت‌ها و پشتوانه‌های معنوی، فکری، عاطفی و قانونی برای روزنامه‌نگاران مسوول و وظیفه‌شناس که همواره با تهدیدهای بالفعل و بالقوه روبرو هستند؛ بروز و تجلی یابد.

۳. کوشش در جهت تأمین حقوق اقتصادی و استقلال مادی روزنامه‌نگاران، با فعالیت‌هایی از قبیل اصلاح و سامان بخشی نظام پرداخت‌ها، طبقه‌بندی مشاغل، بیمه و از کارافتادگی، سخت و زیان‌آور شناخته شدن این حرفه، افزایش سطح دستمزدها به صورتی که روزنامه‌نگار مجبور به روی آوری به کار دوم و سوم نباشد، تأمین مسکن، امکانات فرهنگی، تفریحی و رفاهی، کسب پاره‌ای امتیازات اجتماعی چون تخفیف در هزینه‌های حمل‌ونقل، اقامت در هتل‌ها، سفرهای حرفه‌ای برای کسب دانش و تجربه و...

کارکرد سوم از آن حیث اهمیت دارد که نیاز مادی و عدم اطمینان نسبت به آینده، و در نتیجه وابسته شدن به منابع پول و قدرت، همواره سلامت حرفه‌ای روزنامه‌نگار را به شدت و به‌طور جدی تهدید می‌کند. روزنامه‌نگاری که دل به پاداش این و آن بست به جای آنکه حرفه خود را به چشم یک مسوولیت بنگرد، از آن پلکانی به سوی کسب منافع و موقعیت‌ها می‌سازد و استغناي روحی و فکری خود را به مسلخ امتیازات مادی می‌برد. در نتیجه نه تنها مدافع حقوق جامعه نیست، بلکه خود به متجاوز بزرگ به این حقوق تبدیل می‌شود.

بنابراین همه اعضای جامعه مطبوعات می‌بایست فرصت پیش آمده را قدر بدانند و کمر همت ببندند تا انجمن صنفی را به نهادی مقتدر، مستقل و کارآ تبدیل کنند. جامعه مطبوعاتی ما دورانی حساس و تعیین‌کننده را پشت سر می‌گذارد. ما به معیارهای کثرت‌گرایی در عرصه مطبوعات در حال نزدیک شدن هستیم، گرچه تا مرزهای قابل قبول در این زمینه فاصله داریم ولی سمت و سوی حرکت،

نویدی بخش است. از یک طرف نفس کثرت‌گرایی مطبوعات را باید پاس داشت و زمینه تقویت آن را فراهم کرد، از جانب دیگر باید کارکرد و کیفیت مطبوعات متکثر را ارتقا و تعالی بخشید. تکثر مطبوعاتی، وظیفه دشوار و سنگینی را پیش‌روی دست‌اندرکاران اجرایی، روزنامه‌نگاران، تشکیلات صنفی، دانشگاهیان و فرهیختگان قرار می‌دهد. پشت سرگذاشتن حد نصاب ۱۰۰۰ مجوز صادر شده برای نشریات، مسأله تأمین نیروی انسانی کارآمد و باصلاحیت و نیز فراهم ساختن شرایط فعالیت حرفه‌ای سالم و مؤثر و تأمین حقوق اجتماعی و قانونی این لشکر عظیم انسانی را مطرح می‌کند و طبعاً مسوولیت انجمن صنفی را به عنوان تشکیلاتی که امیدهای فراوانی را برانگیخته، پیش می‌کشد، مسوولیتی که فقط با همدلی، همراهی و همفکری همه یا دست‌کم اکثریت قاطع اهل حرفه، انجام شدنی است.

در این شرایط به‌نظر می‌رسد انجمن صنفی پس از طی مقدمات و آغاز فعالیت رسمی و همه‌جانبه که می‌بایست هرچه زودتر صورت گیرد، ضرورتاً باید محورهایی را به عنوان دستورکار در برنامه‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت خود قرار دهد و با شناخت نیازها و اولویتهای مطبوعات و نظرخواهی از روزنامه‌نگاران، نسبت به عملی ساختن آنها اقدام کند. بر همین اساس با اذعان به اینکه ممکن است برخی پیشنهادها زیر، در زمره بدیهیات و راهکارهای شناخته شده و نه چندان تازه، باشند، نکاتی را که تصور می‌شود در جهت اصلاح و بهبود امور مطبوعات و نیز ارتقاء و کارایی بیشتر انجمن صنفی می‌توانند مؤثر باشند، مورد اشاره قرار می‌دهیم:

۱. فراگیری

انجمن صنفی باید بتواند اکثریت قریب به اتفاق اعضای جامعه مطبوعات را در تهران و شهرستانها زیر چتر حمایت و عضویت خود قرار دهد. برای این منظور، البته باید حسن‌نیت، صداقت، کارایی و خیرخواهی خود را نسبت به روزنامه‌نگاران با گرایش‌ها و خط مشی‌های گوناگون، در عمل نشان دهد. بی‌تردید بخشی از قدرت انجمن به فراگیری و

گسترده‌گی پوشش آن بستگی دارد. ایجاد ارتباطی صمیمی، پویا و دوسویه که اهداف، برنامه‌ها و چشم‌انداز آینده انجمن را بین اعضای جامعه مطبوعات به جریان اندازد و آنها را در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت دهد، از سازوکارهای مؤثر در این زمینه به شمار می‌آید.

۲. استقلال

انجمن صنفی برای حفظ مشروعیت و مقبولیت و حیات دیرپای خود می‌باید غیرجانحی و غیردولتی و آزاد از قیدوبندهایی که اینگونه وابستگی‌ها ایجاد می‌کند بماند. تنها در این صورت است که می‌تواند نقش خود را به عنوان یک نهادمدنی مستقل و کارآمد در خدمت به اعضای صنف و اعتلای حرفه روزنامه‌نگاری و حفظ شأن و حرمت آن، هرچه

■ اکنون همه روزنامه‌نگاران باید دست به دست هم بدهند و پایه‌های این تشکل را آنچنان محکم و استوار بنا بگذارند که بتواند تکیه‌گاهی مطمئن برای اهل این حرفه فراهم سازد.

بهرتر ایفا نماید. انجمن صنفی مستقل، قادر خواهد بود، در جهت نهادینه ساختن آزادی مطبوعات و آزادی اطلاعات و ارتباطات، هم در قبال شهروندان و هم در رابطه با دولت، به توفیق دست یابد و اعتماد و اطمینان اعضای صنف را همواره به عنوان یک پشتوانه در کنار خود داشته باشد.

۳- تقویت کیفی مطبوعات

در شرایطی که جامعه ما به ویژه در پرتو سیاست‌های جدید دولت، کثرت‌گرایی در زمینه مطبوعات را به عنوان یک دستورکار، دنبال می‌کند، تقویت بنیان‌های روزنامه‌نگاری اهمیتی مضاعف می‌یابد. مطبوعات متکثر اگر نتوانند مهمترین منابع بهبود کیفی و محتوایی یعنی نیروی انسانی کارآمد، صاحب تجربه و تخصص، فهیم و آگاه نسبت به مقتضیات زمان را در اختیار داشته باشند عملاً از پویایی و

■ گرچه انجمن صنفی، خود یک نهاد مدنی مهم و تعیین‌کننده است اما می‌تواند در کنار خود نهادهای مدنی ضروری دیگر از قبیل نظام صنفی و شورای مطبوعاتی را نیز به وجود آورد.

تحرك باز می‌مانند و نه تنها قادر نخواهند بود در خدمت رشد و توسعه فرهنگی، اجتماعی، انسانی و اقتصادی قرار گیرند بلکه چه بسا لطماتی نیز به آن وارد کنند. در این زمینه پیشنهاد می‌شود انجمن صنفی با بحث و گفت‌وگو با دست‌اندرکاران مطبوعات و ترتیب دادن جلسات گفت‌و شنود و مباحثه میان روزنامه‌نگاران و اندیشمندان و صاحب‌نظران، شرایطی را فراهم آورد که مطبوعات متکثر از فروافتادن به وادی ساده‌نگری، سطحی‌پسندی، عوام‌زدگی و خدای نکرده ابتدال در امان بمانند و سودای سود و کسب درآمد مادی، جای خود را به دغدغه خدمت اجتماعی و روزنامه‌نگاری مسؤولانه در خدمت تقویت جامعه مدنی بدهد. گذشته از این ضرورت که به کار فرهنگی و فکری مستمر و تنگاتنگ با مطبوعاتی نیاز دارد که استعداد دورشدن از وظایف و مسؤولیت‌های فرهنگی و تاریخی خود را دارند، به نظر می‌رسد که دو راهکار دیگر برای ارتقاء کیفیت و محتوای مطبوعات و تقویت پایه‌های روزنامه‌نگاری کشور باید مورد توجه و امان نظر قرار گیرد. زیرا مطبوعات ما در حال حاضر به شدت از فقر نیروی انسانی مناسب و شایسته، رنج می‌برند و به همین دلیل بیشتر به «نیروخوری» از یکدیگر می‌پردازند و محدود روزنامه‌نگاران توانمند را به چند پیشگی ناگزیر ساخته‌اند. این دو راهکار می‌تواند چنین تبیین شود:

الف: در حال حاضر دانشجویان روزنامه‌نگاری و علوم ارتباطات که در سه و از جهتی چهار دانشگاه کشور سرگرم تحصیل‌اند،

هیچ امکانی را برای کارآموزی، آشنایی عملی با کار روزنامه‌نگاری در مؤسسات مطبوعاتی و درگیر شدن با چندوچون کار حرفه‌ای پیش روی خود نمی‌بینند. فراوانند دانشجویانی که فارغ‌التحصیل می‌شوند در حالی که حتی موفق به بازدید از تحریریه یک روزنامه نشده‌اند. در داخل گروه‌های آموزشی دانشگاه نیز نشریات تجربی و آموزشی که دانشجویان را با مقتضیات کار عملی آشنا سازد تقریباً وجود ندارد. این نکته قابل‌انکار نیست که این دانشجویان، سرمایه‌های اصلی مطبوعات و به‌طورکلی روزنامه‌نگاری ما را در عصر پرتلاطم ارتباطات تشکیل می‌دهند. هرگونه مساعدت و دستگیری از آنان، سرمایه‌گذاری روی آینده این حرفه و رشته است. بعید است کسی منکر این واقعیت باشد که آموزش روزنامه‌نگاری بدون گذراندن «دوره بالینی» در مؤسسات مطبوعاتی و در کار مستقیم حرفه‌ای نمی‌تواند به تنهایی راه به جایی ببرد. انجمن صنفی مطبوعات، از هم اکنون باید در صدد یافتن فرمولها و شیوه‌هایی باشد که بتواند بین مؤسسات مطبوعاتی و دانشکده‌های روزنامه‌نگاری پیوند و آشتی برقرار کند و دانشجویان بتوانند قسمتی از اوقات خود را به خصوص در دو سال آخر تحصیل به عنوان کارآموز در مؤسسات مطبوعاتی بگذرانند. این رویداد، دو مزیت عمده خواهد داشت. اول اینکه مؤسسات مطبوعاتی می‌توانند به‌طور پیوسته از کار فیزیکی و فکری و نوآوری‌ها و خلاقیت‌های نیروهای جوان و چه بسا با استعداد که در عین حال کمترین چشمداشت را چه از نظر مالی و چه سایر امکانات دارند، بهره‌مند گردند و بدین ترتیب از میان آنها نیروهای مستعد، خوش فکر و فعال را برای همکاری دایمی برگزینند. دیگر اینکه دانشجویان می‌توانند استعدادهای خود را کشف کنند، نقاط ضعف و قوت خود را بشناسند، رابطه بین آموزش‌های آرمانی دانشگاه و اقتضای عملی محیط کار را بیابند، تا اگر قصد ماندگاری در این حرفه را دارند بر تلاش و تکاپوی خود بیفزایند و توانایی‌های خود را تقویت کنند و اگر خود را قادر به ادامه دادن این حرفه نمی‌بینند برای آینده خود

تدبیری بیندیشند. این امر از هرز رفتن و اتلاف و سرگردانی نیروها و سرمایه‌های انسانی جلوگیری می‌کند و منافع آن عاید عموم مردم و جامعه می‌شود. بسیاری از این دانشجویان در حال حاضر با مراجعه به استادان و دیگر آشنایان تنها خواستار پذیرش خود در یک مؤسسه مطبوعاتی حتی بدون مزد و موجب هستند، اما دریغ...

ب: بسیاری از دانشجویان، علی‌الخصوص دانشجویان علوم ارتباطات و روزنامه‌نگاری به دلیل آنکه از یک سو تصویری روشن از آینده حرفه‌ای خود ندارند و از جانب دیگر دچار مشکلات مالی و تنگناهای معیشتی هستند، دوران تحصیل را چندان جدی نمی‌گیرند و به آینده دلگرم و امیدوار نیستند، درس و مطالعه را جدی نمی‌گیرند و گاه حتی دچار سرخوردگی و انفعال می‌شوند.

انجمن صنفی با رایزنی با مؤسسات مطبوعاتی، توجیه و جلب توجه آنها به واقعیاتی که متأسفانه تاکنون مورد غفلت قرار گرفته‌اند، می‌تواند با هماهنگی‌هایی که از یک سو با مطبوعات و از سوی دیگر با دانشگاه‌های دارای رشته علوم ارتباطات به عمل می‌آورد و مثلاً با ترتیب دادن آزمون‌های دوره‌ای در طول سال برای کشف و شناخت استعدادهای بالقوه روزنامه‌نگاری، عده‌ای از دانشجویان مستعد و موفق در آزمون را برای اشتغال در مطبوعات مختلف، بورسیه کند و هزینه تحصیل آنها را از محل صندوق خاصی که بدین منظور تأسیس می‌شود و صاحبان مطبوعات نیز در تأمین دست‌کم بخشی از موجودی آن نقش دارند، بپردازد. این امر همه دانشجویان را دارای انگیزه می‌کند و به تلاش و خودسازی در تمام دوران تحصیل وا می‌دارد. حتی به نظر می‌رسد که در پاره‌ای موارد اگر عده‌ای از دانشجویان فقط نامزد کار مطمئن در نشریه‌ای شوند به تنهایی برای ایجاد انگیزه، کافی باشد. انجمن صنفی نباید مسؤولیت و رسالت تاریخی خود را در این زمینه نادیده بگیرد. این یکی از مهمترین خدماتی است که انجمن می‌تواند به مطبوعات کشور عرضه کند.

۴- نظام صنفی و شورای مطبوعات
گرچه انجمن صنفی، خود یک نهاد مدنی

مهم و تعیین کننده است اما می تواند در کنار خود نهادهای مدنی ضروری دیگر از قبیل نظام صنفی و شورای مطبوعاتی را نیز به وجود آورد یا دست کم به عنوان یکی از متولیان امر، به شکل گیری این نهادها یاری رساند. انجمن صنفی بدون این نهادها کامل نیست و نمی تواند به تنهایی نیازها و ضرورت های حرفه ای را در زمینه های گوناگون پاسخگو باشد. تدوین و نظارت بر اجرای نظامنامه اخلاق حرفه ای روزنامه نگاری، پیگیری و تعقیب تخلفات احتمالی برخی از اعضای صنف از اصول اخلاق حرفه ای و در نتیجه جلب اعتماد جامعه به سلامت فعالیت های مطبوعاتی و تعهد نسبت به حفظ حقوق شهروندان در قبال مطبوعات از جمله مسؤلیت و رسالت های این تشکل های مدنی است. همچنین فراهم ساختن شرایط بهبود کار در تحریریه های مطبوعات، حفظ حقوق روزنامه نگاران، بهسازی مدیریت های تحریری، کاهش فشارهای مستقیم و غیرمستقیم بازدارنده بر اعضای صنف، ارتقای رضایت شغلی روزنامه نگاران، کاهش تهدیدها و آثار آن بر فعالیت های مطبوعاتی، جلوگیری از به خطر افتادن احتمالی اعتبار، حیثیت و منافع صنف به وسیله برخی اعضا یا نشریات و بسیاری از مسؤلیت ها و خدمات دیگر می تواند حاصل شکل گیری این تشکل ها باشد. انجمن صنفی می بایست از ایجاد تشکل های جنبی دیگر که می توانند به سامان بخشی فعالیت های حرفه ای و اعتلای روزنامه نگاری در کشور مدد برسانند حمایت کند، برخی را خود به وجود آورد و پاره ای دیگر را به منظور بهبود شرایط مادی و معنوی حرفه، زمینه ساز و یاری رسان باشد.

شکل گیری نظام صنفی و تدوین و اجرای مرامنامه اخلاق حرفه ای از طریق انجمن صنفی می تواند به پالایش و پیرایش بیش از پیش این حرفه بینجامد و روزنامه نگاری را در خدمت رشد و تعالی جامعه و تأمین آزادی های مشروع و قانونی و میرا از هتک حرمت، تجاوز به حریم خصوصی افراد، نادیده گرفتن حیثیت دیگران و سودجویی ها و بهره برداری های شخصی قرار دهد. همچنین ایجاد شوراهای مطبوعاتی در سالم سازی فعالیت های

■ نیاز مادی روزنامه نگار، عدم اطمینان نسبت به آینده، و در نتیجه وابسته شدن به منابع پول و قدرت، همواره سلامت حرفه ای روزنامه نگار را به طور جدی تهدید می کند.

■ بی تردید بخشی از قدرت انجمن به فراگیری و گستردگی پوشش آن بستگی دارد.

مطبوعاتی، بهسازی شیوه های مدیریت و اداره تحریریه های مطبوعات و مطلوبیت بخشی به فضای حرفه ای روزنامه نگاری، تأثیری غیرقابل انکار دارد و انجمن صنفی می تواند و باید در جهت شکل گیری این دو نهاد به طور جدی احساس مسؤلیت کند.

۵- آموزش مادام العمر

بسیار شنیده شده است که گفته می شود مطبوعات ما یکدیگر را تکرار می کنند و همه چهره ای کمابیش مشابه و یکسان دارند. این سخن گرچه در جای خود نیازمند بررسی و تحلیل دقیق است و اغلب به آن شدتی که ادعا می شود واقعیت ندارد، ولی از جهتی به ویژه در مورد روزنامه های یومیه قابل تأمل و محتاج چاره اندیشی است. واقعیت این است که در برخی موارد، روزنامه نگاران ما به دریافت کنندگان یک سویه اخبار روابط عمومی از طریق تلفن یا دورنویس تبدیل شده اند و اگر روزی این مجاری مسدود یا ارتباط آنها با روابط عمومی ها قطع شود معلوم نیست در وضعیت فعلی که نوعی وابستگی غیرمفید به اینگونه خبرها وجود دارد چگونه مطبوعات می توانند نیازهای خبری خود را تأمین کنند. برخی بررسی ها، میزان اخبار روابط عمومی ها در مطبوعات را که متأسفانه اغلب با شکل و قالبی یکسان در همه روزنامه ها و نشریات تکرار می شوند تا حدود ۴۰ درصد مطالب خبری آنها برآورد می کنند. این امر گرچه معلول عوامل متعددی است و نمی توان آن را تک عاملی دانست، اما تا حدودی به ضعف

آموزش و فقر تخصص و دانسته های برخی روزنامه نگاران نیز مربوط می شود. البته ضعف دانش و بینش در این گروه عوارض و تبعات منفی گسترده تری دارد، که می توان گفت در مجموع باعث می شود آنها از زمان خود و تحولات محیط و مقتضیات اجتماعی دایم التغیر، عقب بمانند. به همین دلیل پاره ای از مطبوعات ما مردم و مخاطبان خود را نمی شناسند و فرسنگ ها با آنها فاصله دارند. پدیده «سازمان های یادگیرنده» (Learning Organizations) امروز پاسخی است به این نیاز بزرگ عصر ما در همه زمینه ها، اما مطبوعات به دلیل آنکه مستقیماً با دانایی و اطلاعات سروکار دارند و روزنامه نگاران به ویژه به خاطر ماهیت حرفه شان، بیش از دیگر عرصه ها و شاغلان به آموزش مستمر، و دم به دم نوشتن نیاز دارند. بنابراین سازمان های مطبوعاتی ما باید به سازمان های یادگیرنده که آموزش را نیازی دایمی و برای همه عمر تلقی می کنند، تبدیل شوند تا بدین ترتیب خود را با طبیعت عصر حاضر و آینده ای که یکی از مهمترین ویژگی های پیچیدگی و ابهام است سازگار و هماهنگ نمایند.

انجمن صنفی در این زمینه نیز می تواند آثار وجودی خود را ماندگار سازد. این آموزش ها در هر دو زمینه فنون و مهارت های روزنامه نگاری و کیفیت و محتوای علمی و فرهنگی پیام های ارتباطی باید طراحی و عرضه شوند.

مسئلاً اولویت های کاری و انتظارات از انجمن صنفی به همین چند مورد محدود نمی شود و دامنه ای بسیار گسترده تر و متنوع تر دارد که پرداختن به برخی از آنها، مصداق توضیح و ابهامات خواهد بود و از حوصله این گفت و گو بیرون است. می دانم و می دانیم که تنها همین موارد، آنقدر سنگین، پرمسؤلیت و وقت گیر و طاقت فرساست که تنها باید برای اداره کنندگان انجمن، شانه هایی ستبر و مقاوم برای سپردن زیر این بار آرزو کنیم، این کار فقط از چند تن عضو هیأت مدیره انجمن بر نمی آید، همه باید اراده و همت کنند. اطمینان دارم در جامعه مطبوعات به شهادت تاریخ، چنین اراده و همتی همواره وجود خواهد داشت. ان شاء الله. □